یادداشت

بی‌برنامگی مهدهای کودک در تربیت

فریده حمیدی، روان‌شناس کودک: امروزه بخش زیادی از مربیان مهدهای کودک بدون داشتن تخصص لازم در این مراکز به آموزش خردسالان می‌پردازند و همین مساله ازجمله مهم‌ترین ضعف‌های مهدهای کودک در شرایط کنونی است. این در حالی است که مهدهای کودک نقاط بسیار حساسی برای تربیت خردسالان هستند و ما باید آموزش کودکان را از همین سنین جدی بگیریم و بهترین مربیان کشور را به مهدهای کودک بفرستیم، زیرا اتفاقاً داشتن تحصیلات بالای مربی برای تربیت کودکان در سنین پایین از سن‌های بالاتر اهمیت بیشتری دارد و برای پیشگیری از عمده اختلالات تربیتی و رفتاری در کودکان نیز لازم است آنها زیر نظر مربیانی آموزش ببینند که از تخصص لازم برخوردار باشند.

نکته دیگر این‌که در کشور ما برای مهدهای کودک محتوای آموزشی مدونی وجود ندارد و همین مسأله سبب می‌شود آموزش کودکان در مهدهای کودک، سلیقه‌ای و بی‌ضابطه باشد.

این در حالی است که ما باید در مهدهای کودک روی کشف و پرورش خلاقیت‌های فردی خردسالان کارکنیم تا در آینده بتوانند استعدادهای‌شان را شکوفا کنند. برای این منظور هم باید برنامه تربیتی جامعی را برای مهدهای کودک تدوین کنیم تا بتوانیم به‌دوراز افراط‌وتفریط و با حفظ تعادل‌های فرهنگی کودکان خود را تربیت کنیم.

اما باوجود پیشرفت‌هایی که برخی کشورها در علوم تربیتی و روان‌شناسی کودک داشته‌اند، لازم نیست ما حتماً برنامه‌های آموزشی مهدهای کودک را بر اساس الگوهای رایج غربی تدوین کنیم، بلکه می‌توانیم با نگاهی به پیشرفت کشورهای دیگر در این زمینه، مسائل مبتنی بر الگوهای فرهنگی و تربیتی کشورمان را در محتوای آموزشی مهدهای کودک پیاده‌سازی کنیم تا فرزندانمان دچار دوگانگی فرهنگی نشوند.

تناقض ویرانگر

صدیقه بزازان، روان‌شناس کودک: این روزها در برخی مهدهای کودک آموزش‌هایی به کودکان داده می‌شود که با ارزش‌های خانواده در تناقض است؛ تناقضی که روی کودک و آینده او تاثیر بدی می‌گذارد. کودکان سه تا پنج سال، از نظر روانی، جسمی، اجتماعی و عاطفی، به‌شدت نیازمند هماهنگ‌سازی بین آموزش‌هایی که در خانه و مهدکودک به آنها داده می‌شود، هستند. رفتن به مهدکودک برای کودکان با استرس همراه است. آنها به طور طبیعی نگران تغییر محیط می‌شوند، بنابراین دور شدن از فضای امن خانه برای آنها سخت و استرس‌زاست.

حال کودکان اگر با محیط مهدکودکی مواجه شوند و تحت آموزشی قرار بگیرند که با فرهنگ و ارزش‌های خانواده در تناقض باشد، مشکلات و استرس‌شان بیشتر هم خواهد شد.

مواجهه با این دوگانگی، امنیت روانی کودکان را به هم می‌زند. شب ادراری، کندن مو و حتی مشکلات تکلمی می‌تواند نتیجه آسیب به روان کودک به خاطر چنین دوگانگی‌هایی باشد.

بر همین اساس، لازم است برنامه آموزشی مهدهای‌کودک دارای نظام آموزشی یکسانی باشد که متناسب با آموزه‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی هم است.

کودکان با آموزش‌هایی که به آنها داده می‌شود، به رشد عقلی و جسمی می‌رسند. در همین زمان است که رشد حرکتی و ارتباطی کودکان به تکامل می‌رسد و در صورتی که در محیط مهدکودک، به دلیل تناقض آموزش خانواده و مهدکودک هماهنگ نباشد کودکان دچار فقر شناختی و ادارکی می‌شوند؛ فقری که اصول تربیتی و شناخت کودکان و آینده آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. لذا آموزش هماهنگ با ارزش‌های خانواده، در مهدهای‌کودک اهمیت زیادی دارد.

تربیت با رفتارهای سلیقه‌ای

غلامرضا قاسمی‌کبریا، کارشناس مدیریت رفتار: در کشور ما بحث هدف‌های رفتاری در حوزه تربیت خردسالان تعریف نشده و هیچ برنامه‌ای درباره این که بچه‌ها در مهدهای‌کودک باید به چه توانمندی‌های رفتاری دست پیدا کنند، تدوین نکرده‌ایم. به همین دلیل در مهدهای‌کودک مسائل رفتاری به صورت سلیقه‌ای به خردسالان آموزش داده می‌شود و در چنین شرایطی شاهد افراط و تفریط‌های اخلاقی در برنامه‌های تربیتی مهدهای‌کودک هستیم. بنابراین می‌توان گفت در کشور ما برنامه‌های تربیتی مهدهای‌کودک کاملا آشفته و رها شده و این در حالی است که سنین زیر شش سال، مهم‌ترین دوره شکل‌گیری شخصیت کودکان است و وجود این نابسامانی‌ها در مهدهای‌کودک قطعا می‌تواند اثرات مخربی بر رفتار آنها داشته باشد و حتی باعث شود خردسالان دیگر به والدین خود احترام نگذارند و آنها را صرفا به چشم خدمتکاران دلسوز ببینند. این که ما هیچ برنامه تربیتی مشخص در مهدهای‌کودک نداریم هم باعث بروز اختلال هویت در کودکان می‌شود.

عکس تزئینی است / جام جم

اغلب مهدهای کودک در نبود نظارت مؤثر به جای کار آموزشی و تربیتی به مراکز خدماتی تبدیل شده‌اند

در مهدهای کودک چه خبر است؟

مریم خباز
محمدحسین خودکار
جامعه

از اردیبهشت ۹۵ تا شهریور ۹۹، چهار سال و چهار ماه فاصله است که می‌توانست فرصتی کافی برای اصلاح امور باشد، ولی بعد از گذشت این ۵۲ ماه طلایی چون ظاهرا کارها بر مدار اصلاح نچرخیده است رهبر انقلاب بار دیگر زبان به تذکر گشودند. اردیبهشت چهار سال قبل رهبر انقلاب در دیدار هزاران نفر از معلمان و نومعلمان کشور در یك صبح دوشنبه بر لزوم ترویج فکر و فرهنگ و زبان بومی تاکید کردند و گفتند که متاسفانه در برخی مواقع به‌جای زبان فارسی، زبان انگلیسی ترویج می‌شود و اکنون کار به جایی رسیده که آموزش زبان انگلیسی به مهدهای‌کودك نیز کشیده شده است. به این ترتیب مهدهای‌کودك به‌عنوان یکی از مراکز یادگیری و به‌خصوص آنچه در این مراکز می‌گذرد، مورد توجه ایشان از یك سو و مورد توجه همه کسانی که در مورد مهدها مسؤولیت دارند، قرار گرفت.

سخنان چهار سال پیش رهبری درباره لزوم توجه به زبان فارسی در مدارس و مهدهای‌کودك البته بازتاب‌های گوناگونی داشت و تعابیر مختلفی از آن شد تا جایی که عده‌ای آن را مترادف با مخالفت نظام با یادگیری زبان خارجی دانستند، گو این‌که ایشان در همان سخنرانی تشریح کرده‌بودند که این موضوع به‌معنای مخالفت با یادگیری زبان خارجی نیست بلکه بحث اصلی، ترویج فرهنگ بیگانه در کشور به‌ویژه در میان کودکان، نوجوانان و جوانان است. ایشان بهار چهار سال قبل گفتند کشورهای دیگر برای مقابله با ترویج زبان و فرهنگ بیگانه برنامه دارند، اما متاسفانه در کشور ما برای مقابله با این موضوع برنامه خاصی وجود ندارد و میدان برای گسترش فرهنگ بیگانه باز است. این هشدارها آن زمان مسؤولان و متولیان را به تکاپو انداخت حجم وسیعی از مصاحبه و نشست و میزگرد برگزار شد و قول‌هایی داده شد ولی زمان که گذشت همه چیز دوباره به جای قبلی‌اش بازگشت، به جایگاه انفعال و فراموشی. دو روز پیش اما موضوع حساس و خطرناك نفوذ از طریق سیستم آموزش‌وپرورش، بار دیگر در سخنان رهبر انقلاب مورد توجه قرار گرفت و ایشان از مهدهای‌کودك این بار ویژه‌تر نام بردند. رهبری گفتند براساس گزارش‌های رسیده وضعیت مهدهای‌کودك به‌هیچ‌وجه خوب نیست و همچنین گفتند نباید به مهدهای‌کودك نگاه مراکز خدماتی داشت بلکه اینها مراکز مهم آموزشی و پرورشی هستند و در ادامه از رها بودن مهدهای‌کودك آن‌هم فقط به سبب وجود اختلاف میان برخی دستگاه‌های دولتی ابراز تاسف کردند. این سه اشاره، با این‌که کوتاه و مختصر بود اما چنان بار معنایی داشت که همان شب رئیس سازمان بهزیستی کشور به‌عنوان یکی از متولیان مهدهای‌کودك توضیحات مفصلی ارائه داد و وزارت آموزش‌وپرورش نیز که یکی دیگر از متولیان است تاکنون هیچ واکنشی نشان نداده است. توضیحات بهزیستی البته بیشتر تلاشی برای تبرئه خود بود باید منتظر بود تا آموزش و پرورش هم از برنامه‌های خود برای رسیدگی جدی به موضوع مهدهای کودک و پیش‌دبستانی خبر دهد. تا جایی که دیروز معاون ابتدایی وزیر آموزش‌وپرورش به ما گفت که در حال جمع‌بندی هستند و فعلا وزارتخانه درباره مهدهای‌کودك صحبت نمی‌کند. چه تلاش برای تبرئه و چه کوشش برای رسیدن به جمع‌بندی، هیچ‌کدام اما در اصل موضوع که رها بودن مهدهای‌کودك در کشور است، تفاوتی ایجاد نمی‌کند. مهدهای‌کودك را البته کسی قصد ندارد جملگی با یك چوب براند ولی آنچه غالب است فرهنگ ناهنجاری است که از اصول اسلامی- ایرانی فاصله دارد و راه را برای جریان نفوذ باز می‌گذارد، آن هم نفوذ بر جمعیتی خردسال که احادیث می‌گویند هر آنچه به آنها ارائه شود همچون نقشی است بر سنگ.

از خشونت تا اختلاط

مصادیق کم نیست و مثال‌ها فراوان است. لااقل از شش سال قبل می‌توان با مرور حوادث به مهدهای کودکی رسید که نه جای تعلیم و تعلم و نه حتی جای تفریح و سرگرمی است بلکه فضایی بوده‌اندکه نمی‌توان چندان جایگاه آموزشی و تربیتی برایشان قائل شد. فروردین ۹۶ خبر شکسته‌شدن استخوان ترقوه پسربچه‌ای سه‌ساله به‌نام آرشان به دست مربی‌اش در منطقه ۸ تهران آنچنان پرسروصدا شد که تا مدت‌ها افکارعمومی نمی‌توانست آن را هضم کند. دیدن عکس‌های آرشان خوابیده در بستر باکتفی که آتل‌بندی شده آن روزها و حتی اکنون بعد از گذشت دو سال واقعا دل می‌خواهد. بدتر از آن سال ۹۳ اتفاقی بود که در یکی از مهدهای‌کودك اردبیل رخ‌داد و در آن پسربچه‌ای ۱۳ ماهه توسط مربی‌اش شکنجه شد، به نحوی که واژه‌ای غیر از کودك‌آزاری مناسبش نبود. هیچ‌کدام از این دو خبر تلخ را مسؤولان فاش نکردند بلکه والدین قربانیان، پرده از این اسرار برداشتند تا یك‌بار دیگر متولیان به سبب پنهان‌کاری یا به دلیل ضعف نظارت مورد مواخذه افکار عمومی قرار بگیرند. نبود نظارت بر آنچه در مهدهای‌کودك رخ می‌دهد، البته فقط به کودك‌آزاری‌ها و رفتارهای خشن که البته عمومی و شامل همه مهدهای کودک نیست فرصت بروز و ظهور نمی‌دهد بلکه در سال‌های اخیر تا آنجا که حافظه تاریخی و آرشیو اخبار یاری می‌کند، عرصه برای ارائه آموزش‌های ناهنجار را نیز باز گذاشته است. تصاویر شنای بچه‌ها در استخر مختلط دو مهدکودك، یکی در جنوب و دیگری در شرق کشور هنوز در موتورهای جست‌وجو بالا می‌آید، تصاویری موهن از استفاده‌های جنسی از کودکانی که شاید نمی‌دانند چرا عریان شده‌اند و چرا آن لباس‌های خاص را پوشیده و جلوی لنز دوربین‌ها ایستاده‌اند. برگزاری کلاس‌های رقص مختلط درمهدهای‌کودك و انتشار عکس‌ها و فیلم‌های مربوط به آن باژست‌های روشنفکرانه و در قالب فرهنگ اشرافی گری نیز مصادیق دیگری بود که اتفاق افتاد و با ساده‌انگاری و تساهل متولیان همراه شد. در دستورالعمل تأسیس مهدهای‌کودك که روی سایت سازمان بهزیستی نیز قابل‌رؤیت است، اما هیچ‌کدام از این حرکات نه پیش‌بینی شده و نه تایید، بلکه درعوض از هشت هدف والا نام‌برده شده که در کمتر مهدکودکی محقق می‌شود. این دستورالعمل از رشد همه‌جانبه کودکان در ابعاد روانی، اخلاقی، معنوی، اجتماعی و جسمی نام‌برده، همچنین بر پرورش درك و نگرش صحیح کودکان نسبت به وقایع و شکوفایی استعدادهای آنها اشاره‌شده و از ارتقای هوشیاری اخلاقی و توجه به ارزش‌های دینی و مذهبی در بچه‌ها دم زده‌شده. درواقع مواردی که می‌توان بی‌ترس ادعا کرد اغلب نه محقق می‌شود و نه حتی جزو برنامه مدیران مهدهای‌کودك قرار می‌گیرد. این‌که رهبر انقلاب دو روز پیش ابراز تأسف کردند مهدهای‌کودك رهاشده‌اند و برنامه خاصی ندارند، ناظر بر همین مسأله است. یك خلأ که چون دستورالعمل، قانون و هزار جور تأکید ریزودرشت در پس خود دارد، نباید وجود داشته باشد ولی شوربختانه هست و جریان دارد.

سنت دیرینه پاسکاری

تا چند سال پیش‌گفته می‌شد مهدهای‌کودك در کشور ۱۴ بابا دارند که منظور متولیانی بود که سبیل به سبیل نشسته و دستی درراه اندازی مهدها داشته‌اند. بااین‌که هیچ‌گاه نام این ۱۴ متولی فهرست نشد، ولی برای مدت طولانی از پنج نهاد نام‌برده می‌شد که گویا راه افتادن این مراکز درید قدرت آنها بود: آموزش‌وپرورش، بهزیستی، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت ارشاد و درنهایت شهرداری تهران. طبق این اصل که دو پادشاه در یك اقلیم نمی‌گنجند، حضور این پنج نهاد در موضوع فعالیت مهدهای‌کودك نیز سرانجام دردسرساز شد، طوری که همه درراه اندازی مراکز سهم می‌خواستند، ولی وقتی نوبت به نظارت می‌رسید همه پا پس می‌کشیدند. البته پس از سال‌ها پاسکاری و رهاشدگی، سرانجام چند تبصره و آیین‌نامه، میانداری و تکلیف را تا حد زیادی روشن کرد. ابلاغ سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش‌وپرورش نیز به کمك آمد و ابرهای تیره‌وتار ابهام را کنار زد. طبق تأکید سیاست‌های کلی، آموزش‌وپرورش به‌مثابه مهم‌ترین نهاد تربیت نیروی انسانی، مجری سیاست‌های مصوب، هدایت و نظارت بر آن از مهدکودك و پیش‌دبستانی تا دانشگاه معرفی شد. همچنین براساس تبصره ۲ ماده ۲ قانون تأسیس مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی، حوزه مهدهای‌کودك میان سازمان بهزیستی و وزارت آموزش و پرورش تقسیم شد. با این تاکید که تعیین شاخص‌های آموزشی و پرورشی و تدوین محتوا و نظارت بر مهدهای‌کودك از حیث آموزش و پرورش با وزارت آموزش و پرورش است و صدور مجوزها با سازمان بهزیستی. پشت بند این تبصره نیز آیین‌نامه اجرایی آن توسط هیات وزیران مصوب و ابلاغ شد تا دیگر حرف و حدیثی باقی نماند. با این حال، حرف و حدیث‌ها تمام نشد و ماجرای اختلاف‌نظر و پاسکاری میان این دو نهاد همچنان پابرجا ماند تا دو روز پیش که رهبر انقلاب از رها بودن مهدهای‌کودك آن هم فقط به سبب وجود اختلاف میان برخی دستگاه‌های دولتی ابراز تاسف کردند. دیروز پیگیری‌های ما از شهرداری تهران که سال‌ها یکی از متولیان راه‌اندازی مهدکودك در پایتخت بود، نشان داد این نهاد پس از توافق با بهزیستی، کار صدور مجوز را رها کرده است؛ توضیحی که نشان داد از آن پنج متولی سنتی، فقط آموزش و پرورش مانده است و بهزیستی که اینها نیز آبشان در یك جوی نمی‌رود و در برداشتن بارهای قانونی توافق ندارند. البته وحید قبادی دانا، رئیس سازمان بهزیستی کشور پس از سخنان گلایه‌آمیز رهبری از رهاشدگی مهدهای‌کودك صحبت‌های مفصلی کرد که بیشتر دفاع از خود بود. او گفت به صورت سنتی اختلاف‌نظری برای مدیریت مهدها میان آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی وجود دارد که رهبر معظم انقلاب به طور دقیق به این موضوع اشاره کردند. طبیعتاً باید تکلیف حاکمیتی مهدهای‌کودك مشخص و یکسره شود و یك دستگاه، مسؤولیت مدیریت این مراکز را بپذیرد و پاسخگوی اقدامات باشد. قبادی دانا اینها را نیز گفت که به مهدهای‌کودك به عنوان مراکز خدماتی نگاه می‌شود و شهریه آنها را سازمان حمایت از حقوق تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در وزارت صنعت و معدن مصوب می‌کند.

این جملات غم‌انگیز می‌شود وقتی بدانیم درحال حاضر به روایت آمارهای سازمان بهزیستی، حدود ۷ درصد از کودکان زیر ۶ سال کشور به مهدکودك می‌روند که ۶۶۱ هزار کودك را شامل می‌شود که در ۵۶۰۰ مهدکودك شهری، ۷۲۰۰ روستا مهد و حدود ۶۵۰۰ مهد درحاشیه شهرها حضور دارند. این بچه‌ها لشکر آینده‌سازان کوچك این کشورند که تقریبا کسی نمی‌داند زیرنظر ۵۷ هزار مربی چه چیزهایی را با چه روشی می‌آموزند و آیا از اهداف تعیین‌شده دور می‌شوند یا خیر. این ابهام و نبود شفافیت درباره عملکرد مهدهای‌کودك بزرگ‌ترین مشکل آنهاست که رهبرانقلاب آن را با صفت رهاشدگی توصیف کردند و سوغاتی‌های تلخی برای جامعه و نسل آینده دارد. کارشناسان می‌گویند پاسکاری شدن این حوزه میان دو دستگاه و به حاشیه رفتن موضوع مهدها دست‌کم چند پیامد مهم دارد که رواج الگوهای ناهمخوان با فرهنگ اسلامی-ایرانی، اجرای فعالیت‌ها با نیات اقتصادی و استفاده از پرسنل غیرمختصص و ارزان از جمله آنهاست.

بازی‌بازی با آموزش هدفمند

آموزش هدفمند در مهدهای کودک فراموش‌شده است، این را از نبود شیوه‌نامه‌ای جامع که همه به آن توجه داشته باشند می‌شود فهمید، این در حالی است که به اعتقاد کارشناسان، کودکان در بهترین شرایط برای آموزش هستند. از **محمد ثابت، روان‌شناس و کارشناس امور تربیتی کودکان** می‌پرسیم چقدر این نگاه خدماتی به مهدهای کودک رواج دارد؟ او می‌گوید: «اساساً ابتدا مهدهای کودک باهدف اولیه نگهداری کودکان راه‌اندازی شدند، اما در بسیاری از کشورها خیلی زود به نهادی آموزشی تبدیل شدند. این ذهنیت اما در ایران همچنان مغفول مانده است. این را می‌توان از طریق آمارها هم متوجه شد. بنجامین بلوم، نظریه‌پرداز روان‌شناسی آموزش و یادگیری ثابت کرده ۵۰ درصد از رشد هوشی بین تولد تا ۴ سالگی، ۳۰ درصد بین ۴ تا ۸ سالگی و ۲۰ درصد از ۸ تا ۱۷ سالگی شکل می‌گیرد. این در حالی است که آمار سال‌های اخیر نشان می‌دهد فقط ۷ درصد کودکان زیر ۶ سال در ایران به مهدهای کودک رفته‌اند.» به اعتقاد این کارشناس هنوز از سوی خانواده‌ها نسبت به مهدهای کودک نگاهی غالب است که در آن آموزش جایگاهی ندارد. او می‌گوید: « جالب است که از این تعداد کم کودکانی که به مهدهای‌کودک فرستاده می‌شوند فقط ۰/۸ درصد دارای مادران خانه‌دار هستند، به این مفهوم که بقیه از سر اجبار و به دلیل شاغل بودن مادر، به مهدکودک پا گذاشته‌اند.» آمار کشورهای پیشرفته را هم که نادیده بگیریم، جالب است بدانید در کشوری مثل کوبا بیش از ۹۵ درصد کودکان زیر ۷ سال تحت آموزش قرار دارند. فریده ترابی میلانی، روان‌شناس فعال در این حوزه هم نسبت به بی‌سامانی آموزش در مهدهای‌کودک انتقاد دارد و می‌گوید: «متأسفانه با روند غلط برخی مهدهای‌کودک ، خانواده‌ها صرفاً شاهد حفظ کردن چند بیت و سرود، چند آیه و سوره و حدیث یا نقاشی کردن از الگوها و شمارش از یک تا ۲۰ به‌وسیله فرزندان‌شان پس از دوره مهدکودک هستند که اصلاً برای آنها مطلوب نیست.»

مغایر ضوابط، صلاحیت و استانداردهای تربیتی و آموزشی

نگاهی گذرا به وضعیت آموزشی مهدهای‌کودک خیلی زود یک نتیجه روشن را پیش چشم می‌آورد؛ بی‌سامانی. این وضعیت البته که حاصل رهاشدگی و عدم نظارت روی فعالیت‌های مراکز پیش‌دبستانی است. نه رصد وضعیت آموزشی که حتی واکاوی شیوه مجوز و فعالیت بسیاری از این مهدهای‌کودک نشان از رهاشدگی در فعالیت بسیاری از این مراکز دارد. فقط یک فقره از آمار اعلام‌شده از سوی معاون امور اجتماعی بهزیستی تهران در سال ۹۷ نشان می‌دهد فقط ۱۰ درصد کودکان تهرانی در مهدهای‌کودک مجاز حضور دارند و ۹۰ درصد آنها در مراکز غیرمجاز پیش‌دبستانی حضور دارند. همین آمار نشان از آن دارد وقتی نظارتی روی ۹۰ درصد مراکز پیش‌دبستانی پایتخت وجود ندارد، بنابراین هرگونه فعالیتی در این مراکز دور از چشم همگان خواهد بود. همین موضوع است که حالا در بسیاری از این مراکز شیوه‌های عجیبی از مکاتب غربی به کودکان آموزش داده می‌شود. از مکتب آموزشی پیش‌دبستانی «مونتسوری» که مؤسس آن یک پزشک ایتالیایی است گرفته تا مکتب آموزشی پیش‌دبستانی «والدروف» که یک دانشمند و فیلسوف اتریشی است.

لیورا سعید، کارشناس ارشد روان‌شناسی مرکز مشاوره خانواده و کودک می‌گوید: «باوجود حساسیت بسیار بالای محتوای آموزشی در این دوره سنی و به‌رغم تأثیر فراوان توانمندی و شخصیت معلمان و مربیان این دوره و حتی باوجود تأثیر فراوان محیط آموزشی، فرهنگی، تربیتی و فیزیکی آموزشگاه در این گروه سنی، متأسفانه تعداد قابل توجهی از این مراکز فاقد ضوابط، صلاحیت‌ها و استانداردهای موردنظر نظام آموزشی و فرهنگی کشور هستند.» به باور او، تعدد مراکز مؤسس و اداره‌کننده مهدهای‌کودک یکسان‌سازی آموزشی را در این حوزه سخت‌تر کرده است. به گفته سعید در حال حاضر بیش از ۱۰ نهاد، وزارتخانه و دستگاه دولتی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گرفته تا شهرداری و سازمان تبلیغات اسلامی به امر تأسیس و اداره مهدهای‌کودک و مراکز پیش‌دبستانی اشتغال دارند.

جیغ، دست و فاجعه

«خطرناک این‌که مهدهای کودک به سمتی رفته‌اند که برای جذابیت بیشتر به آموزش‌های نامتعارف و ترویج فرهنگ غربی روی آورده‌اند.» این را **معصومه درویشی لرد، روان‌شناس کودک** می‌گوید. ازنظر او بیشتر مهدهای کودک، ۹۰ درصد رسالت خودشان را این می‌دانند که از کودک برای مدتی نگهداری کنند. اما او معتقد است نگرانی امروز نسبت به مهدهای کودک از تماشای طولانی‌مدت تلویزیون و نبود آموزش گذشته است و به نگرانی درباره آموزش‌های نابجا به کودک رسیده است: «متأسفانه برگزاری برخی دوره‌های آموزشی مانند آموزش رقص ، آواز و حتی آموزش‌های جنسی در بعضی مهدهای کودک، پدیده‌ای است که اتفاقاً برای برخی خانواده‌ها جذاب شده. درواقع برخی والدین فکر می‌کنند این آموزش‌ها برای شادی کودک خوب است، اما نمی‌دانند اینها فقط یک شادی کاذب برای کودک به همراه دارد درصورتی‌که برای ایجاد یک شادی دائمی در فرزندانمان بهتر است به دنبال یادگیری مهارت‌های زندگی در آنها باشید؛ اعتمادبه‌نفس را در وجودشان شکل داده و اجازه بدهیم یک شادی واقعی و همیشگی در زندگی‌شان تجربه کنند.» واقعیت این است که آموزش‌های مسموم مانند آموزش مسائل جنسی خارج از قاعده که با آموزش کتاب‌های کشورهای دیگر در ایران رواج پیدا کرده، موضوعی است که ازنظر کارشناسان تربیتی کودک، عواقب خطرناکی دارد: «البته نباید فراموش کنیم که مراقبت و تربیت جنسی با آموزش جنسی کاملاً متفاوت است، اما به‌هرحال چنین به نظر می‌رسد که این خواست خود بعضی از خانواده‌هاست که فرزندشان در بستر فرهنگ غربی رشد کند و به همین دلیل در کنار افزایش نظارت بر مهدهای کودک باید برای آگاه‌سازی والدین نیز تلاش کرد.»

مهدکودک یا کودک‌داری

فاطمه قاسم‌زاده، روان‌شناس کودک معتقد است آن دورانی که همه فکر می‌کردند مهدکودک تنها مکانی برای نگهداری بچه‌هاست، گذشته است. به نظر قاسم‌زاده، یک مهدکودک استاندارد، باید نگهداری همراه با آموزش صحیح و متخصصانه داشته باشد: «به نظر می‌رسد بعد از حدود صدسال از شروع به کار مهدهای کودک، والدین و مدیران مهد هردو به این نتیجه رسیده‌اند که شش سال اول زندگی کودک، بهترین سال‌ها برای شکل‌گیری شخصیت آنهاست و تحت هیچ شرایطی از آموزش‌های اصولی و مهارتی نباید غافل شد؛ آموزش‌هایی که در نوع شخصیت کودک در آینده تاثیر خواهند داشت، نه این‌که صرفا آموزشی، تفریحی و ... برای گذراندن زمان باشند.» اما این فقط یک‌طرف ماجراست: «از سوی دیگر می‌بینیم دانشگاه‌ها، مؤسسات و آموزشگاه‌های متعدد برای تربیت مربیان پیش از دبستان در حال فعالیت هستند و نیروهای متخصص برای آموزش‌وپرورش نسل آینده، آموزش می‌دهند. ضمن این‌که اگر مهدکودکی به دلایلی این مسائل را رعایت نکند، در ارزشیابی مهدهای کودک که توسط بهزیستی انجام می‌گیرد، دیده می‌شود و در نوع فعالیت و حتی ادامه فعالیتش تأثیر دارد. روشی که طبیعتاً در جهت مصلحت کشور برای تربیت نسل‌های آینده است و اثراتش در دوره‌های بعدی رشد کودکان دیده می‌شود.» به‌هرحال، مدت‌هاست که ثابت‌شده بچه‌هایی که در مهدهای کودک، دوره‌هایی را گذرانده‌اند در دوره دبستان عملکرد موفق‌تری دارند: «درواقع این همان تأثیر آموزش‌های مفیدی است که کودک در مهدکودک دیده و می‌تواند در عملکرد او در نوع تحصیل، رفتار با دوستان و تعامل با معلم‌هایش تأثیرگذار باشد.»